

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

سوم شعبان المعظم ۱۴۴۳ مطابق با ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

ميلاد با سعادت سالار شهيدان امام حسين (عليه السلام)

را به پیشگاه اهلبیت عصمت و طهارت بویژه ولی عصر و حجت حق امام زمان (عج) و به همه دوستداران و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت و همه مسلمانان و ستمدیدگان و محرومین جهان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

هیچ کس از قعر تو آگاه نیست	خلق را یاری سر الله نیست
تو بزرگی خاک میدان تو نیست	آسمان را تاب جولان تو نیست
تا زمین از غربت آگاه شد	قطره ای از آن چکیده وماه شد

امام حسین (صلوات الله و سلامه علیه) فرمود:

« فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا تُعَدُّ نَفْسَةً	فَدَارُ ثَوَابِ اللَّهِ أَعْلَى وَ أَنْيْلُ
وَ إِنْ تَكُنِ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَثْنَاءُ	فَقَتْلُ أَمْرٍ بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ
وَ إِنْ تَكُنِ الْأَرْزَاقُ قِسْمًا مُقَدَّرًا	فَقَلَّةُ حِرْصِ الْمَرْءِ فِي الرِّزْقِ أَجْمَلُ
وَ إِنْ تَكُنِ الْأَمْوَالُ لِلتَّرَكِ جَمْعُهَا	فَمَا بَالُ مَثْرُوكٍ بِهِ الْخُرُّ يُبْخَلُ-

اگر دنیا با ارزش شمرده شود، منزل آخرت و دار ثواب الهی با ارزش تر و والاتر است . و اگر بدن و جسم انسان ها برای مرگ آفریده شده ، به خدا سوگند کشته شدن انسان با شمشیر (شهادت) بهتر است . و اگر رزق و روزی موجودات تقسیم شده و مقدر گردیده ، زیباتر و نیکوتر آن است که انسان در طلب رزق و روزی کمتر حرص داشته باشد. اگر جمع کردن اموال برای ترك کردن آن است ، چرا انسان آزاده نسبت به این چیزی که ترك کردنی است بخل بورزد.» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۷۴)

موضوع تدبر :

آیا می‌توان گفت سید و سالار شهیدان برای فهماندن عظمت رسالت عاشورایی خود به مردم، آنها را دعوت نموده است که این سخنان را به عنوان پیش نیاز ، در زندگی خود پیاده کنند تا به توان درک واقعه‌ای که در کربلا اتفاق می‌افتد، برسند؟

پاسخ:

پاسخ اجمالی این پرسش این است که امام (ع) در سخن خود پنج دلیل بیان داشته، تا مردم، دار ثواب الهی را، با ارزش تر و والاتر از دنیا بدانند و کشته شدن در راه خداوند را بهتر از مردن به مرگ طبیعی بدانند و در طلب رزق و روزی کمتر حرص داشته باشند و از بذل مال در راه خدا بخل نورزند؛ چرا که اگر مردم این ارزش ها را درک نکنند، قدر امام و قیامش را نخواهند دانست و تلاش امام برای هدایت آنها به نتیجه نخواهد رسید. همچنانی که امام علی (ع) دومین شخصیت بزرگ عالم انسانیت از این غربت چنین می‌نالد و خطاب به مردم ، می‌فرماید: «انی اریدکم الله وأنتم تریدوننی لأنفسکم - مردم !

من شما را برای خدا می خواهم و دوست دارم شما را تا خدا پیش ببرم ولی شما مرا برای خود می طلبید و می خواهید تا حضيض ذلت به زیر بکشید، اما هیئات» (نهج البلاغه ، خطبه ۱۳۶)

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم
به وقت صبح قیامت که سر زخاک برآرم به گفتگوی تو خیزم به جستجوی تو باشم
اما تفصیل بیش تر مطلب این است که امام به هر مناسبتی برای تربیت مردم سخنانی را بیان می دارد که به آزادی آنها از اسارت دنیا کمک کند؛ به عنوان مثال؛ «مردی نزد امام حسین بن علی (علیهما السلام) آمد و عرضه داشت: من مرد معصیت کاری هستم که نمی توانم معصیت انجام ندهم؛ مرا موعظه نما.
حضرت فرمود: پنج کار را انجام بده و هرچه خواهی گناه کن: ۱- رزق خدا را نخور و هرچه خواهی گناه کن. ۲- از ولایت الهی خارج شو و هرچه خواهی گناه کن. ۳- مکانی بیاب که خداوند در آنجا تو را نبیند و هرچه خواهی گناه کن. ۴- هنگامی که ملک الموت برای قبض روح آمد، او را از خودت دور کن و هرچه خواهی گناه کن. ۵- هنگامی که ملک مأمور جهنم به نام «مالک» خواست تو را وارد آتش کند، داخل شو و هرچه خواهی گناه کن.» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۶)

از برجسته ترین خصلت های انسانی آن حضرت؛ سخاوت و بخشنده گی اش می باشد. آن بزرگوار تلاش می کرد با حمایت های مادی و معنوی خود، مرهمی بر زخم های نیازمندان و انسان های دردمند و خسته از فشارهای سنگین فقر و فلاکت بگذارد و بر این باور اصرار می کرد که: «مَنْ جَادَ سَادَ وَ مَنْ بَخَلَ رَدِلَ وَ إِنَّ أَجْوَدَ النَّاسِ مَنْ أَعْطَى مَنْ لَا يَرْجُوا - کسی که بخشش نماید، بزرگی خواهد یافت و هر کس بخل ورزد، پست خواهد گشت و یقیناً بخشنده ترین مردم کسی است که به نیازمندی که [از او] امید یاری ندارد، بخشش کند.» (نزهة الناظر، حلوانی، ص ۸۲) و می فرمود: «مَنْ نَفَسَ كُرْبَةً مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ - هر کس که غصه ای را از دل مؤمنی برطرف کند، خداوند اندوه های او را در دنیا و آخرت برطرف می نماید.» (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۹)

آب خود با دشمنان تشنه قسمت می کند عزت و آزادی بین تا کجا دارد حسین
در حدیثی از آن حضرت می خوانیم: « وَ جَاءَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يُرِيدُ أَنْ يَسْأَلَهُ حَاجَةً فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَخَا الْأَنْصَارِ صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَذْلِ الْمَسْأَلَةِ وَ ... - روزی مردی از انصار خدمت امام حسین علیه السلام آمد تا حاجتش را عرضه کند. حضرت (قبل از اینکه او سخنش را آغاز نماید) فرمودند: « ای برادر انصاری! آبرویت را در خواهش کردن حضوری و رو در رو، از بین ببر و حاجتت را در نامه ای به من بنویس، إن شاء الله طوری عمل می کنم که تو را خوشحال و مسرور نماید.» آن مرد در نامه چنین نوشت: «ای ابا عبدالله! فلانی از من پانصد دینار می خواهد و اصرار دارد آن را بگیرد، با او صحبت کنید که به من مهلتی بدهد» چون امام حسین علیه السلام نامه را خواندند، به داخل منزل رفته و کیسه ای آوردند که در آن هزار دینار بود. آنگاه به وی فرمودند: « با پانصد دینار قرض خود را بپرداز و با پانصد دینار دیگر، زندگیت را اداره کن؛ و به یاد داشته باش جز به نزد یکی از این سه شخص حاجت مبر: فرد «دین دار» یا «صاحب مروّت» یا «اصل و نسب دار»؛ اما فرد دین دار، برای حفظ دین خود هم که شده حاجتت را برآورده می کند؛ و اما صاحب مروّت، از جوانمردی خود حیا نموده و پاسخت می دهد؛ و اما شخص با اصل و نسب، می داند که تو آبروی خود را در بیان حاجتت فروخته ای، پس آبرویت را حفظ می کند به اینکه خواسته ات را برآورد» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۸)

عالم همه قطره اند و دریاست حسین مردم همه بنده اند و مولا است حسین
ترسم که شفاعت کند از قاتل خویش از بس که کرم دارد و آقا است حسین

حضرت برای آمادگی مردم و فهم رسالت عاشورایی که در پیش دارد، زهد و بی میلی به دنیا را تبلیغ می‌کند؛ از این رو در معرفی دنیا می‌فرماید: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الدُّنْيَا فَجَعَلَهَا دَارَ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ مُتَّصِرَةً بِأَهْلِهَا حَالاً بَعْدَ حَالٍ، فَالْمَغْرُورُ مَنْ غَرَّتْهُ وَالشَّقِيُّ مَنْ قَنَّتْنُهُ، فَلَا تَغُرَّنَّكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا وَ تُخَيِّبُ طَمَعَ مَنْ طَمَعَ فِيهَا- سپاس خدایی را که دنیا را آفرید و آن را سرای فناپذیر و رو به زوال قرار داد؛ دنیایی که صاحبانش را از حالی به حالی دگرگون می‌کند. پس خودباخته، آن کسی است که دنیا او را بفریبد و تیره بخت و شقاوتمند کسی است که دنیا او را شگفت زده سازد. [ای مردم!] دنیا شما را نفریبد؛ زیرا دنیا امید هر کس را که بر آن تکیه کند، به یأس تبدیل می‌کند و طمع هر کس را که در آن طمع ورزد، بی نتیجه می‌گذارد..» (عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۲۴۹)

سپس می‌فرماید: «عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مِنَ الدُّنْيَا عَلَى حَذَرٍ، فَإِنَّ الدُّنْيَا لَوْ بَقِيَتْ لِأَحَدٍ أَوْ بَقِيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ، كَانَتْ الْأَنْبِيَاءُ أَحَقَّ بِالْبَقَاءِ، وَأَوْلَى بِالرِّضَى وَارْضَى بِالْقَضَاءِ. غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الدُّنْيَا لِلْبَلَاءِ وَخَلَقَ أَهْلَهَا لِلْفَنَاءِ فَجَدِيدُهَا بَالٍ، وَنَعِيمُهَا مُضْمَلٌ وَسُرُورُهَا مُكْفَهَرٌ، وَالْمَنْزِلُ بُلْعَةٌ وَالْدَّارُ قَلْعَةٌ فَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى- بندگان خدا! از خدا بترسید و از دنیا برحذر باشید که اگر بنا بود دنیا برای کسی باقی بماند و یا یک فرد [برای همیشه] در دنیا بماند، پیامبران برای بقاء سزاوارتر و جلب خشنودی آنان بهتر و چنین حکمی خوش آیندتر بود. جز آنکه خداوند دنیا را وسیله آزمایش، و مردم را برای فانی شدن آفرید. پس تازه هایش کهنه و نعمتهایش زائل و شادی آن مبدل به غم می‌شود، و خانه و منزلگی است زودگذر و کوتاه مدت. پس [برای آخرت] توشه‌ای بگیرید که بهترین توشه تقواست.» (تاریخ ابن عساکر، شرح حال امام حسین علیه السلام، ص ۲۱۵)

زین سبب تنگ شد جهان بزرگ که جهان تنگ بود و مرد سترگ

حضرت اباعبدالله (علیه السلام) به جهت تربیت افراد و انجام وظیفه الهی در مقابل دنیازدگان و زهدستیزان سکوت نمی‌کرد؛ کاری که امروزه ضرورت دوجندان برای کسانی دارد که داعیه هدایت جامعه را به عهده دارند، و می‌باید امام حسین (علیه السلام) را در این کار الگوی خود قرار دهند؛ یکی از سرمایه داران مدینه، خانه بسیار مجللی ساخت و از امام حسین علیه السلام دعوت کرد تا از نزدیک خانه او را تماشا کرده، برای او دعا کند. وقتی امام علیه السلام وارد خانه بسیار وسیع و اشرافی او شد، اظهار داشت: «أَخْرَبْتَ دَارَكَ، وَعَمَرْتَ دَارَ غَيْرِكَ، غَرَّكَ مَنْ فِي الْأَرْضِ، وَ مَقَّتَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ- خانه [آخرت] خویش را ویران کردی، و خانه بیگانه را آباد ساختی. اهل زمین تو را گرامی خواهند داشت و اهل آسمان دشمنت خواهند بود.» (تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۲۷۰)

و همچنین نقل شده که امام حسین (علیه السلام) روزی در کوچه‌های مدینه قدم می‌زد که خانه باشکوه یکی از دنیاپرستان و زهدستیزان را دید و اظهار داشت: «رَفَعَ الطَّيْنُ وَوَضَعَ الدِّينَ - [صاحب این خانه] گِل را بر هم انباشت و [دیوارها را بالا برد] ، ولی دین را پست کرد.» (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۶۷)

غیر از آنچه از مرام و مسلک آن سرور گفته می‌شود که باعث هدایت حق‌طلبان عالم است، حالات معنوی امام حسین (ع) و شعاع نور ایمان او بسیار تحول آفرین و هدایت کننده است؛ دعا‌های فراوانی از حضرت به یادگار مانده است که معروف‌ترین آنها دعای عرفه است. در یکی از دعا‌های آن حضرت است که در آن، انواع ارزش های اخلاقی - معنوی مهم را از خداوند بزرگ درخواست می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدَى وَ أَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَى، وَ مُنَاصَحَةَ أَهْلِ التَّوْبَةِ، وَ عَزَمَ أَهْلِ الصَّبْرِ وَ حَذَرَ أَهْلِ الْخَشْيَةِ، وَ طَلَبَ أَهْلِ الْعِلْمِ، وَ زَيْنَةَ أَهْلِ الْوَرَعِ، وَ خَوْفَ أَهْلِ الْجَزَعِ، حَتَّى آخَافَكَ... - خدایا! من از تو توفیق هدایت شدگان، و رفتار پرهیزکاران، و نصیحت کردن توبه کنندگان، و عزم و اراده صابران، و ترس

اهل خشیت [الهی] ، و تلاش اهل علم، و زینت پرهیزکنندگان، و ترس جزع کنندگان را درخواست دارم تا از تو خوف داشته باشم!» (دعای جامع امام حسین علیه السلام) سپس می‌فرماید: « اَللّٰهُمَّ مَخَافَةً تَحْجِزُنِيْ عَنْ مُّعَاصِيكَ وَحَتَّى اَعْمَلَ بِطَاعَتِكَ عَمَلًا اَسْتَحِقُّ بِهٖ كِرَامَتَكَ، وَحَتَّى اُنَاصِحَكَ فِي التَّوْبَةِ خَوْفًا لَكَ، وَحَتَّى اُخْلِصَ لَكَ فِي النَّصِيحَةِ حُبًّا لَكَ، وَحَتَّى اَتَوَكَّلَ عَلَیْكَ فِي الْاُمُوْرِ حُسْنًا ظَنًّا بِكَ، سُبْحَانَ خَالِقِ النُّوْرِ وَ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيْمِ وَ بِحَمْدِهِ - خدایا! ترسی را می‌خواهم که مرا از ارتکاب نا فرمانی هایت بازدارد، و وادار به اطاعت کند؛ عملی که مستحق کرامت تو گردم، و پندپذیر در توبه به خاطر ترس تو باشم، در خیرخواهی برای تو خالص گردم به جهت محبت تو. و در تمام کارها به تو توکل کنم به خاطر خوشبین بودن به تو. منزّه است آفریننده نور، و تنزیه و ستایش برای خدای بزرگ است.» (بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۹۱، ح ۵)

آن حضرت در بخشی از آخرین دعای خود در روز عاشورا می‌فرماید: « اَللّٰهُمَّ اَنْتَ تَقْتُلُ فِي كُلِّ كَرْبٍ وَ اَنْتَ رَجَائِيْ فِي كُلِّ شِدَّةٍ، وَ اَنْتَ لِيْ فِي كُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بِيْ ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ، كَمْ مِنْ هَمٍّ يَضْعُفُ فِيْهِ الْفُوَادُ وَ تَقَلُّ فِيْهِ الْحِيلَةُ وَ يَخْذُلُ فِيْهِ الصَّدِيقُ وَ يَشْمَتُ فِيْهِ الْعَدُوُّ، اَنْزَلْتُهُ بِكَ وَ شَكَوْتُهُ اِلَيْكَ- خدایا! تو در هر غم و اندوهی پناهگاه من و در هر سختی و شدتی مایه امید من هستی و در هر حادثه‌ای که برایم اتفاق می‌افتد، سلاح و تکیه گاه منی، آن گاه که غم‌هایی [کمرشکن بر من فرو ریخته است] که دل‌ها در برابرش آب می‌شوند، و راه هر چاره در مقابلش مسدود می‌گردد و در آنها دوستان [از من] دوری می‌جویند و دشمنان زبان به شماتت می‌کشایند. [در چنین لحظاتی] آنها را به سوی تو آورده، تنها به تو شکایت می‌کنم.....» (عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۲۴۸)

یاریم کن تا به راحت در دل سنگر بمیرم
پیکرم گردد جدا، مانند گل پرپر بمیرم
جرعه‌ای نوشم ز دست ساقی کوثر بمیرم
با تبسم بر رخ آن حجت اکبر بمیرم

بارالها من نمی‌خواهم که در بستر بمیرم
دوست دارم همچو باران، بر تنم خمپاره بارد
دوست دارم تشنه لب مانم هنگام شهادت
دوست دارم چهره مهدی زهرا را ببینم

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة